

ارگان دانش آموزی

۳ آبان

سال اول شماره ۳۶ پنجشنبه ۲۰ شهریور بهار ۱۳۸۰

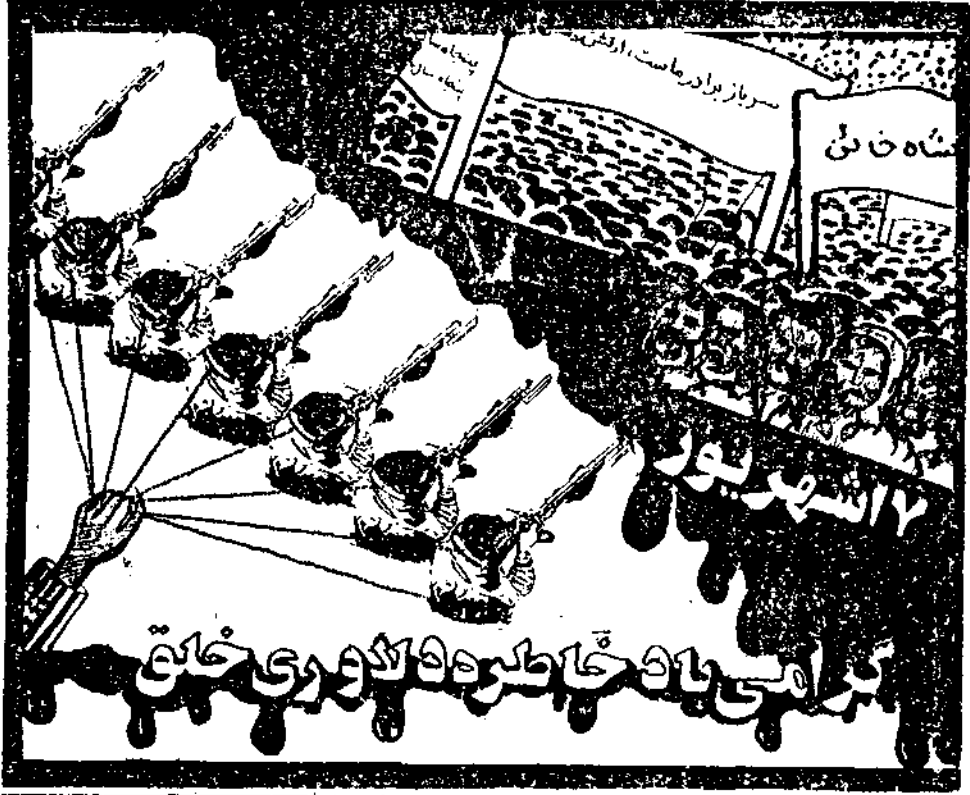
فرازین شماره ملی خواهید

دو نوبتی کردن مدارس
 قوطنه ای علیه دانش آموزان انقلابی رنجشکش
 ۲ ص

رزمندگان
 در خورد های منفعت طلبانه به تشکیلات م. ل دانش آموزی
 ۶ ص

تادرجهان از طالبان کمتر بدانند نام و نشان ؟

نقدی بر نهائیش اتحاد شورا ها، فبردا آمریکا
 ۱۰ ص



مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

دو نوبتی کردن همدارس

توطئه ای علیه دانش آموزان انقلابی و زهنگش

هر روز که پشت سر میگذریم، آمدن ورزش و پرورش ارتجاعی حاکم نشان میدهد که تنها دست از سر دانش آموزان و مبارزانشان برندارند. راست، بلکه همه هروسپاه ای که شده بر طبله آنان مسلسل خواهد کرد، و دوسره شدن مدارس یکی از آخرین این اقدامات است. بدین مدتی که چیزی بنهنگش که این اقدام به سر چه کسانی تمام می شود؟

چند سوال ساده از شما داریم؟ آیا اکثر دانش آموزان ایران فرزند آن زحمتکار نیستند؟ مگر نه اینکه زحمتکار تحت این شرایط طاقت فرسا و زیر بار گزافی و بیگاری و بی سستی گریبان خرد شده و نمی توانند خرج زندگی خود و زن و بچه هایشان را تأمین کنند؟ پس آیا آنها مجبور نیستند که فرزندانشان را از زمین کودکی به سر کار بفرستند تا کنگی به خرج خانوادگی باشد و بنابراین آنها بسیاری از دانش آموزان زحمتکش کار نمیکنند؟ خوب، آنها آنها دانشان نمی خواهند باسواد شوند؟ مگر ممکن است نخواهند، ولی چگونه می توانند درس بخوانند؟ خودتان بهتر می دانید. نصف روز کار میکنند و نصف دیگر روزها درس میدهند، بنابراین احتیاج به چه کلاسهای دارند؟ جواب آنست که چه آنان نیاز به مدارس یکسره دارند. پس دوسره شدن مدارس، برای آنان چه نتیجه ای را بهار می آورد؟ پاسخ مثل روز روشن است. یا باید کار خود را ترک کند و یا باید از غیر درس خواندن بگذرد. ولی در این شرایط فلاکت بسی سابقه مگر میتوان از کار کردن صرف نظر کرد؟ در نتیجه فقط یکراه باقی میماند. ترک تحصیل.

حالا روشن شدیدی؟ آموزش و پرورش با این کار خود زمینه ترک تحصیل فرزندانشان

زحمتکاران را فراهم میآورد و آنوقت مات و مبهوت میمانیم به این همه بی شرمی و وثاقت که این رژیم از سوی دیگرانهای شمارزه با بیسواد لی و جهاد سواد آموزی این کشور فلک را کر کرده است.

اما خوابهای خوش رژیم طبع چنین دانش آموزی و دانش آموزان زحمتکش بهمنی چنان خائنه نمیداند. قرار بر این شده است که بین دوسری کلاسهای صبح و عصر کلاسهای اید تلویزی اسلامی دایر باشد و دانش آموزان موظف به شرکت در آنها هستند و اگر غیبت کنند و طبق معمول چنین و چنان خواهند کرد. کلاسهای اید نور لوزی اسلامی رژیم هم که خوب میدانند یعنی چه؟ سائلی سیاسی مثل تبلیغ رژیم، نسبت زن به کمونیستها، فحاشی علیه "مناقصین" و همین طوری دوسه ای قرآن در باره ارتد و میراث، خوردن نهیای حرام و حلال و با نوشته های مطهری در مسود و خجاسو خلاصه تکرار همان باوه های که مردم از بس صبح تا شب از رادیو و تلویزیون و نشریات دولتی شنیده و خوانده اند که دیگر حدی حالشان از این همه

اسلام اسلام کردنها بهم خورده است. البته از همین حالا همه خوب میدانند که این کلاسها به چه روزی خواهد افتاد. روز اول مثلا ۳۰ نفر، روز دوم ۴۰ نفر و بعد از یکی دو هفته ۵۰ نفر فالانتر فقط در سر کلاس حاضر خواهند شد. آن وقت در هر مدرسه به خانه هایمان نامه خواهد فرستاد و ما را تا باید مجبور به شرکت اجباری در کلاس میکنند که در این صورت هم معلوم است که چه بلائی سر آن معلم اید تلویزی که بمید هم نیست از آندهای حزب دهنوری اسلامی باشد.

خواهیم آورد تا وضع آب و هوای مدارس بیشتر به شامشان بخورد تا از این بمب

از این غلطها نکنند. ولی رفتاری دانش آموز وظیفه ما در مقابل این اقدامات آموزش و پرورش چیست؟ لازم است که ما آگاهانه به مطالبه ما این توطئه تازه برویم. اولاً دانش آموزان زحمتکش را به نتیجه این سیاست رژیم آگاه کنیم و اعتراضشان را بر طبله این حکم دوسره شدن مدارس ببریم. بدون تردید مبارزات دانش آموزان در اثر این عملکرد رژیم باز هم گسترش بیشتری خواهد یافت که ما باید آگاهانه برای سازماندهی آن دست بکار شویم.

همچنین در رابطه با خرج دوسره شدن از آنها که رابطه مستقیم با منابع معیشت هم دارد، اکثر معتمدین زحمتکش صبیح ما قادی نیستند از ضروری کار تنها و در همه خرج زندگی خود را تأمین کنند و همین دلیل بعد از ساعات طولانی هم بدین میکنند که با دوسره شدن مدارس این امکان ناهود زیاری از آنها سلب میشود.

معمی در کاندن آنها نیز به صف مبارزه میمانیم و بپوند میان دانش آموزان و معتمدین انقلابی را ندید بد کنیم.

ثانیاً در مورد کلاسهای اید تلویزی نیز همین ربه هم در آن کلاسها که محل یکسری برای فریب توده ها و تبلیغ سیاستهای ارتجاعی رژیم است، بکنیم. توده ها را از شرکت در این کلاسها براندازیم. اهد امتشکیل این کلاسها را به آنان توضیح دهیم. حتی اگر اکثر دانش آموزان در این کلاسها شرکت می کردند نیز وظیفه ما آنست که در سراسر کلاسها حاضر شده و از همانجا اید تلویزی فرستاد انقلابی رژیم را با اید تلویزی انقلابی خویش پاسخ گوئیم و همان کلاسها را به سنکورد بگرو برای انشای رژیم و دناپانش بدل کنیم تا بالاخره به اعدا که باه بدیش نیرومندی طرف است.

تعهد از دانش آموزان انقلابی برای عدم فعالیت در مدارس و توطئه هیئت دولتهای ارتجاعی است

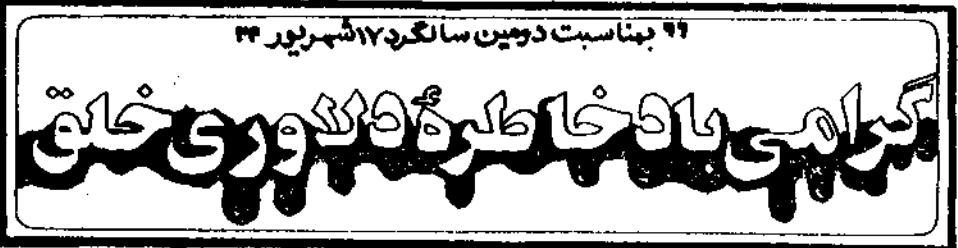
آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

توده‌ها در جریان مبارزاتشان فرساز و تنبیه‌های فراوانی بخت سرنوشت نهند و در سپه‌ای زیادی می‌آموزند. ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ یکی از این نقاط صلف مبارزات بود. نسیان خلق ما طبع رژیم شاه جنایتکار بود. در آن زمان او دیگری مبارزات توده‌ها و انقلابی، پیش از پیش رژیم رابع بن بست می‌گشاید. گانه‌ها نیست سرهم سقوط میکردند هر روز که میگفت سبیل خشکین توده‌ها

تکرار کرده و ضربه زد بودند؛ ارتش سردار ماست... طبق برنامه قبلی در میدان زالمه برای شاهزادگان تجمع کردند. آنان بی‌سلاح و در حالیکه در دستهایشان شاخه‌های گل داشتند، ناگهان خود را با سواره ارتش روبرو دیدند. همه توده‌ها هنوز به جنایت، بهشگی ارتش بی‌نیرو بودند اما در یک لحظه رگبار مسلسل‌های سربازان به فرمان فرماندهان فضای میدان را پرکرد. دسته به دسته از

بجای می‌گشتند... شاه جنایت می‌گشاید، ارتش حمایت میکند و در روسی و بگرگناسی مثل آیت الله خمینی می‌کوشیدند ارتش را از زیر پاهای او براندازند و آنرا به آغوش اسلام باز گردانند. البته آنان هرگز به توده‌ها حاحلیقت را نگفتند. آنان بتوده‌ها می‌گفتند چرا فقط با مفاخری از سران ارتش مخالفند و در آن زمان در ضمن حال کهرخلافی ضد انقلابی

بنیاد سبب دومین سالگرد ۱۷ شهریور ۳۳



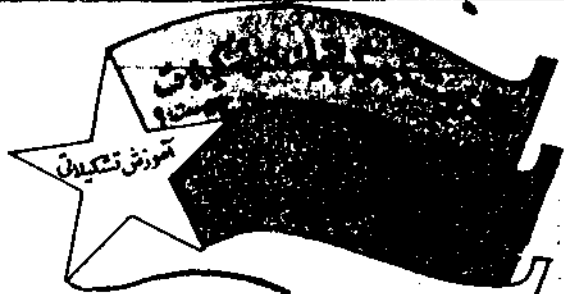
مثل امواج خروشان دریا و در سراسر ایران نیرومند تیرهای می‌انداخت. این سبیل و سرمایه داری وابسته و حکومت مزد و پهلوی رانسانه گرفته بود. اما حرکت آن خود بخودی بود و برای همین خرد و بی‌وزاری مرفه سستی گه در سرنگونی سلطنت پانشاری قاطعانه ای میکرد. در پشاپیش جنبش آشتی ناپدید می‌شود. ها فرار گرفته بود. و جنبش رانسانیه منافع خود رهبری میکرد. از جمله چون نمی‌خواست ما شین دولت را نابود کند. میگوشید ارتش را بود ارتش که از سلطنت دست بکشد هفتده شهریور به توده‌ها به قیمت خون هزاران تن آمیخت که ارتش آمریکا را با پسند ناپدید کرد. هر چند که پس از آن هم همچنان رهبری جنبش جلوی این خواست مقاومت می‌نمود.

توده‌ها در خون خود غلظتند و جوی خون در رخسارشان برای انتقام. در اینده اسدا و سبب توده‌ها و سبب توده‌ها به ناگاه می‌شان هرجا برکشید؛ مایه شامگلد در دم شامه ناگلوگه؟ اما جنبش پریشی حدت زیادی نمی‌توانست ادامه دهد. باید و نیروهای ناپاکمیرگسنانیکه نمی‌دانستند و نمی‌توانستند توده‌ها را آماده مقابله‌ای انقلابی با ارتش بکنند صحنی میکردند. استفاده از همین روحیه بهت و ناآرامی که در میان جوانان به تصایح بد رانمیرود از بند و همچنان توده‌ها را به دران گل به ارتش مزد و وادارند. اما حقیقت آنست که از این پس اوضاع مثل سابق نمیتوانست ادامه یابد. از این پس در جریان انقلاب ششمنی در دل آگاه قرار داشتند که طبرقم سنگینی فاجعه "جمع سپاه" ضربه‌ای که در این روز فرود بودند و تا حد تنی تأثیر آن احساس میشد به مبارزه ادامه می‌دادند و فرهاد میرند ارتش برادر رنیده... "ارتش آمریکا می‌نابود باید گردند". "میگم و میگم، آنکه سردار رم گشت و روسی در بگرنه‌روهای متریز هم‌زمان مواخربانه درم از برادر وی ارتش میرند. در ریکسوتودها اجساد شهیدای بی‌خون خفته شان را که بیکرگشمانشان از گلوله‌های آمریکا می‌ارتش سوراخ سوراخ شده بود بسر و پس گرفته فریاد می‌زدند. این سند جنایت

ظلم بی‌وزاری لبرال خواهان سرنگونی سلطنت هستند. اما چرا نمی‌خواهند ارتش نابود شود. آنان بظواهر امر طایف کردند که به این وسیله می‌خواهند ارتش را بسوی انقلاب جلب کنند. آنان برافه این کارشان دلیل نمی‌آورند که گردن آنکه سربازان ارتش را از همین مرد بچکتکن هستند؟ آنان به توده‌ها می‌گفتند که ارتش در ارای یک سیستم منظم است و در آن سربازان ماهره‌های بی‌اراد می‌باشند. اما توده‌ها در برابر شعار سازشکارانه رهبران، وقتی که طی تجارب ناچاه آمیزی مثل تجربه ۱۷ شهریور این حقایق را فهمیدند. برای جلب سربازان و نه حفظ ارتش و شمارهای آگاهانه خود را بجان کشیدند. سرباز برادر ماست. ارتش دشمن ماست.

یکی دیگر از اسالی که در برابله با کشتار ۱۷ شهریور مطرح است موقعیت لبرال‌هاست. کسانی مثل روسفجان و چارگان با به روی کار آمدن شریف امای تلاش زیادی برای انبساط یافته بودند که جنبش را به سازش بکشاند. اما توده‌ها در ۱۷ شهریور به غرضام خواست آنها ناعد زیادی نتوانستند شمارهای سازش ناپذیر بر طبع سلطنت شاه بسند. همین سبب و دولت شریف امای را

تقدیر صفحه ۸



در شماره قبلی نشریه در باره رهبری و کار تشکیلاتی صحبت کردیم و گفتیم که وظیفه یک تشکیلات کمونیستی آنست که توده ها را حول یک خطی صحیح بسیج کند و مبارزانشان را هدایت و رهبری نماید .

حال ببینیم که یک تشکیلات انقلابی برای رسیدن به این هدف قبل از هر چیز به چه احتیاج دارد ؟ به چه وسایلی به تشکیلات میتواند خطی صحیحی را هدایت کند و آنرا بطور منظم بدین توده ها برود و جنبش آنان را رهبری کند ؟

ساختار انجمن و سیکوریتها :

فرض کنیم که تشکیلاتی موجود است و رهبر های مختلف شاخه دارد . زمان و زمان انقلاب است و قیام مسلحانه در دستور کار میآید . باید توده ها را مسلح کرد و دشمن را سرنگون نمود . ولی آیا چگونه میتوان این کار را انجام داد ؟ مثلا اگر امروز اسفهان را فردا شیراز و هفته بعد تبریز قیام کنند میتوان دشمن را شکست داد ؟ روشن است که نه . برای رسیدن به پیروزی باید در تمام کشور قیام برپا آید . انجمن در یک روز معین باید برنامه از پیش حساب شده مورد دیگری را در نظر بگیرد . شما میآید ؟

خطی یک تشکیلات دانش آموزی مستقیم و ولی وضع طوری است که شعار رد دست نشان یک شعار مدید و ضروری تشکیلات در مدارس شعار دیگری میدهد و همین طور شما بشیوه خاص خودتان حملات می کنید و اما سازماندهی هم به شیوه خود . همینطور در دسترس خودتان و اگر چه نفره ولی یک تشکیلات بسا شد ولی هرگز امتان یک شعار جداگانه را تبلیغ کنید . در این صورت نتیجه کار چه خواهد شد ؟ جز به گنج افتادن توده ها!

در این صورت ما در هیئتها متفاوت و گساده متناهی را تبلیغ کرده و توده ها را در جوار سرگردانی گرفتاریم . بدین ترتیب ما قادر به سازماندهی مبارزه یک توده ها نخواهیم بود .

و رهبری انقلاب و در این مورد جنبش دانش آموزی بدست سایر گروههای انحرافی خواهد افتاد . همینطور بگنویسیم که مثلا در ولایت جلوی آزادی فعالیت سیاسی را در مدارس بگیرد . در جواب این اقدام رژیم ما تصابات و خطاهای صورت بگیرد . ولی بدین صورت که امروز یک مدرسه فردا مدرسه دیگری خواهد هم به همین منوال . یعنی چیزی خیلی شبیه آنچه که با مسائل و جنبش دانش آموزی شاهدش بودیم . بدین ترتیب یک انجمن و خطاهای دیگر چه و هکاتی صورت نمیگیرد و تأثیرها را از دانش آموزان برتاب کشند خواهد بود . همچنین فرض کنید که اکثر تشکیلات پیشما وظیفه ای بدهند و پس از انجام ندهند . اگر در شهرهای مختلف شاخه های یک تشکیلات برسریک موضوع اطلاعاتی مدتی بدهند و موضوع گنجهای متناقض بکنند . یعنی کلاً از منافع جمیع حرکت نکرده و حرکات فردی انجام بشود . آنوقت چه خواهد شد ؟

اطاعت همه این در سرها رو نیست ؟ معلوم است که طبع همه اینها رفتن آن یک رهبری در وجود تشکیلات است . یک سازمان انقلابی برای اینکه توده ها را رهبری کند و خود را محتاج به یک رهبری و مرکزیت دارد . ضرورت ساختار انجمن ما همان مرکزیت از همین جا است . ساختار انجمن برای آن مورد نیاز است که یک تشکیلات در آن واحد یک ایده معین را بمان توده ها برود . یک شخص مشخصی را در همه جا تبلیغ و ترویج کند . توده ها را حول آن سازماندهی نماید . و بر این

همه اینها لازم است که بخشهای مختلف تشکیلات را در ارتباط با هم قرار دهد و از این طریق بتواند یک توده ها را رهبری کند . اما حالا اگریم که یک سازمان ساختار انجمن داشت . آیا همه چیز برپا است ؟ آیا همه کارها بدین صورت میگیرد ؟ آیا میتوان توده ها را بدین روش و برای مدتی رهبری کرد ؟ اینهاست که باید بگوئیم که ساختار انجمن برای یک تشکیلات لازم است . ولی کافی نیست . در رفتار آن چیزی دیگری هم باید باشد تا کارها بروی قیام برود . باز هم باستانی بحث را روشنتر میکنیم :

در صحبت قبلی خود گفتیم که مثلا برای اینکه یک سازمان انقلابی قادر به برپایی یک قیام یکپارچه و هکاتی گردد . نیاز به مرکزیت دارد . اما با وجود ساختار انجمن آیا همه چیز میآید ؟ از یکجا معلوم که این رهبری زمان در دست رهبر است . قیام تعیین کند ؟ از یکجا معلوم که این رهبری بتواند جنبش را برود در دست هدایت کند ؟ از یکجا معلوم که شعارها ، سیاستها و تاکتیک های در دست باشد ؟ آیا فقط در صورتیکه یک خط در مرکزیت بنشینند و فرمان بدهند . همه چیز تمام است ؟ پاسخ منفی است . گسر مرکزیت یک سازمان " خرد " است که هیچ وقت اشتباه نکند ؟ رهبری یک سازمان از یکجا میتواند سیاست صحیح را بدین کند ؟ از اشتباهات بری باشد و اگر مرکب اشتباهی هم نند آنرا اصلاح کند ؟

اینهاست که مسئله و مکرر است در روز سازمانی مطرح میشود . یعنی اینکه در رفتار ساختار انجمن با اینست حتما " مکرر است هم وجود داشته باشد . باید توده ها بتوانند نظرات خود را ابراز کنند . رهبران را بر اینها نظرات خود را قرار دهند . اشتباهات آنرا به او گوشزد بکنند . تنها در این صورت است که رهبری رابطه شکستگی با توده ها خواهد داشت . و قادر به اصلاح اشتباهات خویش از طریق انتقاد و انتقاد از خود خواهد بود و تمامی اینها به وسیله مکرر است در روز سازمانی اجرا میگردد . بدین مکرر است . بدین آنکه توده ها نظرات خود را بیان کنند . مرکزیت از توده ها جدا افتاد و طبیعتا گرهشود آنها و تحلیلها ، شعارها و تاکتیکهای پیش منقول خواهد بود . طراحان آن بوده و قاهر شد . اگر انداخته بود . از تمام آنچه گفته شد نتیجه میگیریم که یک تشکیلات کمونیستی حتما باید دارای ساختار انجمن و مکرر است

باشد. بعضی اینکه نظرات توده ها بسیار زیاد شود. همین آنها مبارزه اید لئولویک انجام گیرد. آنوقت در مسائلی نظرات توده ها ترکز پیدا کند. جمع بندی ی گردد و در چهار میان توده ها با گرد آمدن توده بدین طریق سازمانیسم و موکراتیک وحدت ارگانیک سازمان را حفظ میکند. و از آن یک تشکیلات بمعنای واقعی گنجه و نه فقط در حرف بسیار. و به آن استقامت می بخشد. حمایت و فشار این آنرا حفظ میکند.

در این جا به تر است به جوانی چند از سائیرت الیسم و موکراتیک برداخته و آنها را بشکاتیم ناقصه بیشتر روشن شود.

تابعیت ارگانهای پایین از ارگانهای بالا:

در یک تشکیلات سازمانیسم حکم میکند که ارگانهای پایین از ارگانهای بالا تراز خود تابعیت کنند. مثلا همه اعضای تشکیلات موظفند وظایف جدولی از طرف مرکزیت و ارگانها و اعضای بالاتر از خود را انجام دهند. کمیته های مناطق از کمیته مرکزی و حوزه های شهرستانها از کمیته های مناطق ارگانها و اعضای حوزه ها از مرکزیت حوزه ها باید تابعیت کنند و اگر وظیفه ای از جانب آنان محول شد خواه قبول داشته باشند و خواه مدافع باشند باید ایدار کنند. البته می توانند موضع انتقادی خود را حفظ کرده و بر سر آن مبارزه کنند. بعنوان مثال فرض کنیم که یک سازمان که ما هواد ارتیم و در رابطه با تشکیلات آن کار می کنیم و بعضی های منتزک کردی ملی ما ضمن وجود کمبری آن اعلامیه را قبول نداشته باشیم و آنرا انتقادی بدانیم. در رابطه با وظیفه ما آنست که بطیرم برخورد انتقادی خود به متن اعلامیه منور. بعنوان یک وظیفه تشکیلاتی آنرا پیش کنیم بعد سنت توده ها برسانیم. هر چند باسن آن موافق نباشیم. در ضمن بصورت چه بسا خواه مدافع واضح است که تشکیلات در ارعمان خود مدافع واضح گشته خواهد شد و صلا خواهد یافت.

تابعیت اقلیت از اکثریت:

معمولا در یک تشکیلات کمونیستی بر سر اساسی ترین مسائلی که می باید در مقابل آنها موضع گرفت. بحث برآمده است. البته در شرایط استثنائی میتوان ایدلنطور تریا شد. اگرنی الملک مشغله ای فوری پیش بیاید و امکان و وقت بحث بر سر موضع تشکیلات موجود نباشد. در یک می تواند بدین بحث موضوع

گیری کند و بعد آن مسئله را به بحث بگذارد. چرا که مرکزیت قطعا از زین به ترین کسی تدبیرترین و آگاهترین افراد انتخاب شده که میتواند وضعیت کل جنبش را بطحاظ موقعیتش در تشکیلات و نظر بگیرد و فضا را از همه جوانب آن بررسی کند. نظرات مختلف ابراز میشود. ولی تشکیلات نمی تواند بحث را تا ابد ادامه دهد. از آنجا که تئوری و ذهن عمل است. بنابراین نتیجه گیری بحث باید مرحله عمل را بد. اما غالب اوقات این طور اتفاق می افتد که اتفاق آراء (صد در صد) کمترینت و موافق و مخالف وجود دارد. مثلا انتخابات مجلس بیسن آید و بعد می موافق شرکت و جسمی مخالف آن هستند. در این صورت تشکیلات ایمن مسئله را در رین خود به بحث میگذارد. پس از آنکه بحث به اندازه کافی صورت گرفت و خط هاروشن شد. مسئله به رای گیری در گذارنده میشود پس از رای گیری. آن نظیری که اکثریت دارد بحرحله عمل در می آید. در این با اقلیت وظیفه دارد که ضمن حفظ موضع انتقادی خود. تابعیت از نظر اکثریت را پذیرفته و آن سیاست را ایدار نماید. در قشر انحصورت مثلا روشن است که تشکیلات به چند بخش تجزیه شده و تدریجا از هم جدا خواهد باشند.

بلک مثال آشناتری بزینم در ریدر مدد صلی خواهد شد. تظاهرات برپا کنید. عده های از اعضای گروه موافق تظاهرات و عده های دیگر مدافع. پس از بحث نیز همزمان موافق و مخالف باقی می ماند. سرانجام این مسئله به رای گذارنده شته میشود. موافقان برگزاری تظاهرات در در اکثریت را بدست می آورند. در این صورت وظیفه اقلیت چیست؟ اینکه خود را از شرکت در سازماندهی این تظاهرات کنار کشد. و نیروی تشکیلات را تحلیل برد. جواب با هم منفی است. اقلیت در این مورد باید تابع نظر اکثریت ارعمان باشد. اما روشن است که اختلافات اقلیت با اکثریت تشکیلات حدی دارد. تابعیت اقلیت از اکثریت و همزیستی و نظردر تشکیلات فقط تا آنجا است که هر دو جریان در ریدموج برپیشتر و دارای اید لئولویک کمونیستی باشند. وگرنه اگر ضمنی همانند موقعیت اقلیت و اکثریت در سازمان در یکجا بهتر آید که اختلافات آنها به بر سر مسائل استثنائی و تکنیکی مشخص بلکه بر سر اساس اید لئولویک بوده باشند.

بعضی بلد جریان از اید لئولویک برپوشان باروی برناتنه بطورتام و تمام به بیرونی میگردند و باشد و بگری همچنان خادار به برپوشانیا باشد. موضع صحیح آنست که جریان برپوشتری در صورت دانش اکثریت. اقلیت رینونیت را اخراج نماید و در صورت در اقلیت بودن. از تشکیلات رینونیتش انشعاب نماید. البته این زمانی است که در یکرا حده ای به صحیح مواضع منحرفین نباشد و کلا رینونیت و ایدلنطور تریا شده باشند.

انتخابی بودن:

از نظر اصول و موکراتیک ارگانهای رهبری سازمان لئولویک اید. توده های سازمانی خود و باید بتوسط آنها انتخاب شوند. البته شکل روشهای اصل و موکراسی. بحثی به وضعیت جامعه داشته و در دوران های خفان و اید و اید آزادی ترقی میکنند. مثلا واضح است که در دوران خفان اید و اید ناخواه نمی تواند و موکراسی اصلی همچون دوران آزادی های و مکرانیک موجود باشد. بعنوان مثال افراد در آن شرایط از هم جدا نمی شوند. امکان ندارد. امکان برگزاری کنفره های وسیع موجود نیست و ... آنها پس از انتخاب ارگانهای مرکزی حقی خواهند داشت که بر سر مسائل جامعیه موضهمگیری کنند و توده های سازمان نیزاز آنها تابعیت نمایند. ولی ممکن است زمانی اختلافات زیادی بین توده ها با مرکزیت پیدا بد آید که در این صورت توده ها همانطور که اس مرکزیت را برپوشند. و می توانند آنرا برکنار نموده و مرکزیت دیگری که نمایند. نقله نظرات آنها باشد. و انتخاب نمایند.

انتقاد و انتقاد از خود و مبارزه ایدلنطور تریا:

میدانیم که ناوقتیکه در جامعه ما بدسکات مختلف حضور دارند. بعضی ناوقتیکه حزب با سازمان کمونیستی موجود است. نظرات مختلف که انعکاس و بد طبقات در جامعه هستند. در سازمان بهد میشوند و انعکاس مبارزه طبقاتی در جامعه بصورت مبارزه اید لئولویک و انتقاد و انتقاد از خود در رین سازمان کمونیستی بوجود می آید. در تشکیلات باید این امر یعنی مبارزه اید لو- زیک تقویت شود. لا زید وجود و موکراسی. برقراری همین مبارزه اید لئولویک با انتقاد بقیه در صفحه ۸

روزمندگان و برخورد های منفعت طلبانه به تشکیلات (م-ل) دانش آموزی

چنین کمونیستی تازه موفق شده است که از یک سطر حلقه شش در یکی رها شود و شش به ششسری انتداب کند و به فکر پاسخ گفتن بخواهد خود را بر برابرش نبوده هاست. تجدیدارتزای در دانشت، مبارزات بوده هاد از آن زمان مثل امروز همچنان در آن بود پس از پیروزی کمونیستهای طلبانه که به نیازها و آن پاسخ دهند و در رابطه با دانش در آن آموزی در دانشت و شش و شش هم منظور بود. چنین سطر بلای باعث شد که در رابطه با ششهای خودی خود میرد اشته شود. در آن زمان، آن بخش از سازمانهای م-ل که در وقت شش حرکتی برداخته بودند، برای آنکه طلب مانده گسی خودشان را از خود ها جدا کنند، دیگر میکردند که نسبت در هر هم جمع شوند با هم همکاری کنند برای اینکه رفتار خود را بطور خود بخود می شناسند. در آن زمان، پس از پیروزی بزبان چنین کمونیستی بود. پس از اختلاف کردن بوسریک مسئله فریب همدای کلی هرگز به معنی آن نبود که کسانیکه روی چند نکته با هم توافق دارند، واقعاً "خط شش شان یکی باشد در حالیکه نیروهای یک تشکیلات کمونیستی باید خط شش اساسی شان یکی باشد یعنی وحدت از راه دانشت و در دست چنین حرکت خود بخود می وایزاید آنرا در رابطه با دانشت و شش و دانشت آموزی هم وجود داشت. در آنجا هم هواد از آن سازمانها را در هر دو جهت بدین وحدت سیاسی - ادبی نظریه که اساس وجود آمدن یک تشکیلات کمونیستی است باید باشد. در هر هم جمع شده بود. در بسیاری از موارد این سازمانها و کمونیستی، به تبعیت از سیاست سازمانی که حاد از آن بودند، و مخالف شرکت در فرزند دوم شده

نداشت. همه میدانیم که اندک پیش از این، شش فیر پریشری در جنبش حاکم بود. کمونیست های آن زمان البته در رز هشان اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم را می پذیرفتند. مثلاً "آنها بر خلاف روزیونیستها و دانشت مشعل حزب بوده و در یکتاوری پروتاریا را نمی شناسند. آنان پذیرفته بودند که انقلاب ضد امپریالیستی و مکرانیک خلق مانعاً با رهبری طبقه کارگر به پیروزی خواهد رسید. ولی وقتی قرار بود راه رسیدن به این هدف های کمونیستی را بشناسند نگاه میکردند. در آن انحراف شده بود. در این انحراف همان شش فیر پریشری چیزی بود که اصلاً کاری به مبارزه نبود. هاندانشت برای همین در آن زمان اصلاً مطرح نبود که چگونه مبارزات تشکیلات مدخلی که باید بوجود آورده میشد و وظایف کمونیستها در برابر مبارزات و هاندانشت و یگزینگیان گذاشت. چنین دانشت و دانشت و دانشت آموزی را باید چگونه سازماندهی کرد. برای پیوند آوردن حزب طبقه کارگر به باید کرد؟ و... شش - یکی حد اکثر تا سیس نیازهای خود به این مسائل توجه میکرد. مثلاً انقلابیون اگر به کارخانه می رفتند برای آن بود که بهترین کارگران را بشناسند و آنان را از محیط کارخانه جدا کرده و بعد به "چریک" کنند، همینطور اگر بعد از دانشت در آنجا توجه میکردند اصلاً به خاطر سازماندهی مبارزات خود و دانشت نبود. بلکه برای آن بود که انقباض ترین دانشت جهان را برای عضویت در سازمان چریکی انتخاب نمایند. حساب کار روزیونیستها هم که روشن است آنان به عنوان ماطین بورژوازی و کسانیکه خود متکزار سرمایه داران بودند، و تنها کار به مبارزات انقلابی خود هاندانشت بلکه می خواستند تا حد سکی جلوی آنرا بگیرند. این مبارزات را به سازش بگذاشتند. و مخالفات آنها با شش چریکی هم به همین خاطر بود. به این ترتیب در زمان گذشته یعنی زمانیکه

دانشت است در رابطه با مسائل مختلف بسته اطلاعاتی با اعضا در آنرا میزان دانشت جهان هواد از سازمان رزیدگان آزاد طبقه کارگر" برخوردار می نمائیم، همچنین اعضا در رابطه با از راه کمونیست سازمانهای م-ل در آن شرکت داشتند (از رابطه مراسم بزرگ دانشت سومین و چهارمین روز شهادت زینل محمد تقی شهید) پیام های با همین اخطار بر ستاده شد. در نظر اول شاید چنین امری طبیعی جلوه کند و نه تنها توجهی به این با این موضوع برای رفایمان روشن نباشد. در این اخطار چه چیز جیبی وجود دارد که ما را به خود جلب کرده است؟ چه جنبه های مثبت و منفی با اهمیت در این رابطه وجود دارد که ما لازم داریم با احساس مسئولیت کمونیستی به آن برخورد کنیم؟ کسانیکه در این مبارزه ادب نظریه مدعیه سازمانهای کمونیستی همین ما را بر سر مسئله تشکیلات دانشت و دانشت و دانشت آموزی در زمان گذشته به خاطر می آورند، میتوانند کم پیش به این مسائل توجه داشته باشند. تا حدی که در گذشته بود که مسئله روشن کردن وظایف نیروهای م-ل در زمان چنین دانشت و دانشت آموزی پس از پیوستن در جنبش کمونیستی همین ماطن شد. البته "علا" به شرایط شخصی که سبب شد این مسئله در دست کار سازمانها و کارگرها می قرار گیرد کاری نداریم. اما به اشاره باید گفت جنبش کمونیستی در زمان گذشته مشعل امروز، همچون جوانی بود که تازه با به میدان کار فعالیت در این اجتماع توجه همای نهد و هر روز با مسائل و مشکلات مدخلی روبرو میشود. کتار هر روز برای "علا" مطرح نبود و میسر است حداقل گوناگین را بشناسد و آگاهانه راه خود را پیدا کند. جنبش کمونیستی در این دوران از رشد خود هنوز راه در دست پاسخ به وظایف را که پیش پایش قرار داشت پیدا نکرده بود و تجربه های زیادی در این راه

آشنیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

های دیگر همین صورت موافق شرکت در رفتارند و می‌بودند، خوب و این حال چه می‌توانست اتفاق بیفتد؟ در هر حال قضا به آنها می‌توانست ختم شود که بخشی از دانش جهان برخلاف شی مورد قبول خود فعالیت بهر ازند و این واقعا فرصت طلسم بود.

به این جهت بود که سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر مسئله ضرورت ایجاد تشکلهای مردمی و دانشی و دانش آموزی را مطرح کرد و کوشید با مبارزه ایدئولوژیک در عمل حقانیت آن را ثابت کند و در این راه موفق هم شد. سازمان پیکار طبقه کارگر حرکتی است که در دانشجویی و دانش آموزی باید سیاست و ایدئولوژی مشخص داشته باشد و نتیجه باید وابسته به یک سازمان مشخص باشد. در آن زمان بسیاری از گروهها و سازمانها هم برخوردار از طمع طلبانه (براکراتیستی) و کوتاه مبنای بهم پیمیشهاد سازمان گردیدند. شایدم پراگتی، وزن برویس و تنبیس و اقترا و انتقام "فره گرانی و سگاری" "نفاق افکنی" "نفخ طلسم" و... از هر جا سر بلند کرد. اما باطرا آنکه کمونیستها تنها و تنها به منافع طبقه کارگر و زحمتکشان و صالح جانی نبود و با او غلبه می‌آید و به طرا آنکه آنها حاضر نیستند برای منافع کوتاه مدت، اصول خود را فدا کنند، و بهر به گفتن حقایق به هیچ چیز دیگری اندیشمند و هیچگاه ام از این برخورد های تنگ نظرانسه نتوانست تأثیری بر روی پیش گرفتن راه درست بجا بگذارد. در جریان مبارزه و پاره‌های که به پیش برداشته شد، بهشت ثابت شد نظریه کمونیستی ایجاد تشکلهای مردمی و دانش آموزی و دانشجویی صحیح بوده است و سازمان در این جهت دست به ترویج و تبلیغ سازماندهی زد که نتیجه آن پیدایش سازمان "دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بود. اما به اصل موضوع بپردازیم، رفتاری رزندگان در این رابطه چه برخوردی داشتند؟ آنان با آنکه با خرد در جریان مبارزه ایدئولوژیک و رکنفرانی وحدت و تنزاعی "انتلاف" را که خود هم قبول داشتند در حرف پسر گرفته بودند، اما حاضرند به "نه رسا" و "نه صلا" به نفی "دانشجویان مبارز" که انمکاس همان نزد و دانشگاه بود، بهر ازند. چنین برخورد حسابگرانه ای البته همان طور

که در بدیم نتوانست هیچ تأثیری برصحت نظرات کمونیستی در رابطه با ایجاد تشکلهای دانشجویی... بگذارد، اما نتیجه این برخورد نمی‌توانست درصلا به پیشبرد شی کمونیستی ضربه وارد نماید. هواداران این سازمان کمونیستی در دانشگاه... در چهار همان گنجی و سرگردانی‌های شدت که در دانشگاه "دانشجویان مبارز" بود، آنان در آن شکل از فعالیت نمی‌توانستند نیروی خود را در خدمت پیاده کردن یک سیاست ایدئولوژی مشخص م.م. در رابطه با سازمانی که هواداران آن بودند در رأیند، باقی ماندن در "دانشجویان مبارز" که تشکلهای م.م. از جمیع هواداران سازمانهای مختلف منبسط شد آنان در چهار رمل در چار تحلیل طلسم شوند یعنی از تبلیغ و ترویج سیاست ایدئولوژی مشخص کمونیستی سر باز زدند و به آنها بهای می‌دهند و تنها در زمینه‌هایی که با دیگران توافق داشتند بکار می‌پردازند، آنها نمی‌توانستند در آن حالت واقعا هم چون یک نیروی هوادار جنبش کمونیستی و طایفه شان را بطور گسترده انجام دهند، همگی کمونیستها و واقعی نیست بودند و تنها به منافع طبقه کارگر زحمتکشان خدمت کنند. آنان مجبور می‌شدند در ادامه سازش کنند، آنان قادر نبودند در حالیکه در "دانشجویان مبارز" در حالت انتلاف بصری بودند سیاست بگیرند و... اما اکنون انتشار اعلامیه‌هایی که زیران اجزاء دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان رزندگان... وجود دارد، و ما همه در خدمت که این رفتار صلا همان نظرات صحیح کمونیستی را بد گرفته‌اند. از این لحاظ ما نمی‌توانیم شادمانی خود را پنهان کنیم، ما نمی‌توانیم به رفتاری هوادار سازمان رزندگان به جهت در پیش گرفتن یک شی کمونیستی تبریک نگوییم و از این واقعه استقبال نکنیم چرا که مستعدیم به این وسیله بار دیگر هواداران یک سازمان م.م. از پس پرسش و حرکت خود بخودی رها شده و از این پس آگاهانه و باطراف خود خواهند برداشت و این جنبه مثبت قضا است. اساسا یک جنبه منفی هم دارد که خود را موظف می‌بینیم با آن مبارزه کنیم، چرا که آفرانه تنها حاصل برخوردی کمونیستی نمی‌دانیم بلکه مستعدیم چنین بر

خود هائی به جنبش کمونیستی جوان ما ضربه خواهد زد و از جمع بندی صارتان و آگاهانه تیارب و جلوگیری خواهد کرد. این جنبه منفی که است؟ امر منفی در برخورد رفتاری رزندگان و شیوه کار مصلحت طلبانه پراگماتیستی آنهاست. آنها ما را لیلی برای این ادعا می‌دهند؟ آنها این گفته ما یک حقیقت است یا انتقام و افترا؟ ما می‌گوییم، رفتاری رزندگان با آنکه در رابطه با کنفرانس وحدت به نفعی بودن تنزاعی ظاهر می‌شود و البته به نفع انتلاف از خود کمونیستی (که حاصل شد بین اصالت گزافانه و نفع طلبانه نشان است) به نفع بودن سیاست ایدئولوژی و نفی کارکنفرانی وحدت پرداخته بودند اما حاضرند نتوانند تنها این شیوه و آگاهی را در رابطه با جنبش دانش آموزی و دانشجویی بکار گیرند، چرا؟ بنظر ما اولاً آنها بطور سطحی این نظرشان را رد کرده و باز همه جاتاز زمینه فراهم میشد و منابعشان اجازه می‌داد در باره آن نظریه همکاری نظر و غیر اصولی روند آنان سیاست ایدئولوژی و خود را نشان می‌داد. بهترین نمونه همان انتلاف کردن در دانشگاهیان مبارز و هم چنین نظراتشان در مورد انتخاات بود (انگلیزها) بنظر ما در آن مقطع آنان به منافع صمد بود و کوتاه مدت خود در رابطه با دانشجویان مبارز نظر داشتند. آنان بجای مبارزه ایدئولوژیک فعال، به باقی ماندن در همان "تشکلهای پرسش و پاسخی" و در نتایج این حسابهای معامله لگنه چیزی واقعی می‌تواند مؤثر باشد. این حساب که جدا شدن از "دانشجویان مبارز" یا نیروی کم صلاح نیست و این حساب که بگذارد اندکی بگذرد، شاید تعداد بیشتری از اراضی "دانشجویان مبارز" را به چنگ آوریم، این حساب که فعلا "نیروی نیستیم و هر طور شده بگذارد بگران را بسوی خود بکشیم، همه و همه چیزی نیست جز یک حسابگری نفع طلبانه و ضد کمونیستی، رفتاری که خوب میدانید که نباید یک اصل مارکسیست لنینیستی را فدای حسابگریهای شخصی کرده و تسامح می‌باید که ایدئولوژی و سیاست پریشانیها را هم برهم ریزد و بکراست و صلا خوب میدانید که تنها با مبارزه صادقانه و مردمی می‌تواند برنده شود.

گرامی باد خاطره ...



به بن بست رساند پس از کشتار ۲۷ شهریور
 لیسرا باشد بد ۱۰ مژوی شد بد و توده هسا
 کابلا ۱۰ احداث شان راه آنها از دست داد بد
 اما پس از ۱۷ شهریور که اوضاع انقلابی
 سراسر جامعه را فرا گرفت شد خدا ۱۰ تفسیراتی
 در دین چنین بوقوع پیوست که بیش از پیش
 نفی طبقه کارگر را بالا برد - درست پس
 از کشتار ۱۷ شهریور بود که جنبش سیاسی
 طبقه کارگران گرفت - احصایات کارگران
 که ابتدا با دعا و استنهای صفتی شروع شد - بود
 سیاسی شد - کمیته‌های احصاب تشکیل شد
 و طبقه کارگر پیگیری خود را به نمایش
 گذاشت - احصاب کارگران صنعت نشست
 آنچنان تأثیر تعیین کننده‌ای در به بن بست
 رسیدن رژیم داشت که خود آیت الله خمینی
 ناچار شد آنان را ستین انقلاب خطاب کند -
 البته امروز آنان این حقایق را فراموش کرده اند
 و مبارزات کارگران را اصال شد انقلابی می-
 دانند - امروز رهبران خرد و بورژوازی مرفه
 سنتی که تماما ۱۰ خود صرف شد انقلاب
 پیوستند آنچنان وقاحت راه آخرین درجه
 خود رسانند که به کارگران قیمت مینزد برای
 براه انداختن احصاب پول میگیرند -
 احصایاتی که به معنی ادا راه مبارزات پیگیرانه
 و شهرمانانه طبقه کارگر طبقه سرمایه داری -
 وابسته است - در ۱۷ شهریور و قیامی
 اثنای افتاد که بیش از پیش گفته های کسری
 نیستها را اثبات کرد - از جمله کمونیستها
 همیشه تأکید کرد بد تنها باعث گرفتن مبارزه
 بود معلوم و سازش ناپذیری آنان است که بین
 ارتش شکاف افتاد و سپاهان - یعنی کسانی
 که خود صد تا ۱۰ نبرد ان ناکاه خود هاستند
 بطرف انقلاب روی آورده - در روز ۱۷ شهریور
 ارتش مزد پر و طبقه کشتار خود هار وابسته
 گرفت - چه بسا سپاهانی حاضر به فرمانبرداری
 وی از فرماندهان جلال نشدند - کشتن
 سپاهانی که حاضر به شلیک بسوی مردم نشده
 بود بواسطه فرمانده مزد پر و رش و ادا ام ایمن
 فرمانده در همان لحظه بد ست سپاهانه یگر
 و بد کسی تعد ابدی از سپاهان و پیوستن
 انبوهی از سپاهان به صف مردم هه و همه
 بیاتر همان تزلزل است که باید به آید اصن
 زده میشد در حالیکه رهبران خرد و بورژوازی
 مرفه سنتی در آرزومان و با تاید ارتش و سران در



خطاب کردند - جلوی فریبختن توده
 سپاهان را نسبت به سیم شد خلقی ارتش
 میگرفتند - آری و قیامی نظیر ۱۷ شهریور
 که در آن توده های بی سلاح بدلیل تزلزل
 و رهبرانشان در مبارزه قیمت گزافی میرد از دست
 در سپاهای فرماندهی برای زحمتکشان در ارد که
 بعنوان تجارب فراموش نشدنی راه مبارزات
 آیندشان را روشن خواهد نمود -
 اما نکته‌ای که باید امروز بر آن تأکید کرد
 جمهوری اری رژیم شد خلقی از چنین روز مان

است - امروز بخصوص خرد و بورژوازی مرفه
 سنتی که در آرزومان هنو ز در صف انقلاب بود
 میکشند با جلب توجه مردم به چنین خطراتی
 همینان خود را در رکنارتود هاشان داده و
 جلوی فریبختن توده خود هار بگیرند - اما
 تنها کانیست توده هار نباید رژیم امروز در
 کرد ستان و ترکمن صحرا و ... در هسبار
 ۱۷ شهریور را زنگار کرده است - امروز
 گولدهائی که ۱۷ شهریور سینه زنان و مردان
 و کودکان را شکافت - همدان در بهرگز خلق
 کرد در بهرگز کارگران و دهقانان در بهرگز
 انقلابین نیرو میبرد - امروز - حتی که ۱۷
 شهریور زمین صیقلان را رنگین ساخت
 همینان از طبقه توده هاسپرد و ذاک صیقل
 مارا سرخ میکند - امروز عدای احصایات کسه
 ۱۷ شهریور از حلقوم زحمتکشان طبقه
 سرمایه داری وابسته شنیده میشد - همچنان
 شنیده میشود - امروز فرمانده هائی که ۱۷
 شهریور در پانگنهها آماده کشتار بود ند
 چه بسا حتی در میدان نبرد آنهی مید اند
 همچنان با بر جاسختند - امروز ارتش ۱۷
 شهریور ارتش آمریکائی بازاری میبود و
 باقی مانده است - هر چه که توده هاسر
 خلاف ۱۷ شهریور بطور سراسری وسیع
 پس به اهمیت رژیم نبرده و مبارزه همان آن
 گسترش را داد - ولیکن امروز هم همچنان
 جنبشی توده هار و حال احلا ۱۰ است و انقلاب
 زنده است -

مرکزیت دمکراتیک ...

و انتقاد از خود است - می بایستی در سازش
 به توده ها اجازه داد که نظرات خود را
 ابراز دارند - باید سائل جنبش راهبان
 در میان گذاشت و از آنان نظر گرفته
 نیاید از انتقاد توده هاسر - باید از
 آنها آموخت و شیوه های کار و سیاستها و خط
 گذشته را اصلاح کرد - در این صورت است
 که سازمان در مجموع میتواند سیاست صحیحی
 در پیش گیرد و از افتادن به دامان انحرافات
 صیل جلوگیری نماید -
 رلیف مافوق در این باره می گوید : " چنانچه
 در حزب نداد و مبارزه ابد تزلزل برای حل

آن وجود نداشته باشد - زندگی حزب پایان
 می یابد - " (در بهاره نداد) وقت آن هم
 پیدا است - نداد و مبارزه افند ارا مل تکامل
 است و اگر وجود نداشته باشد - تکامل متوقف
 میشود و بدیه راه زوال و انحطاط در پیش
 میگردد -
 البته در این رابطه بایستی به یک مسئله
 اساسی توجه داشت و آن اینکه این مبارزه
 حدی دارد - مثلا ۱۰ ریل سازمان کمونیستی
 کسی حق ندارد بر سر نداد رستی روین بنام
 خروشیگی شکی بخود راه داده و بر سر نداد
 از آن مبارزه کند - کسی حق ندارد در یک
 توری بر طرفا را بر کسر حوالا ببرد - کسی
 نمی تواند فریاد صحتی
 رانگی کند در این صورت این افراد از
 تشکلات اخراج خواهد شد -
 ما در شماره ۱۰ بعد نشره این مسئله یعنی
 انتقاد و انتقاد از بد را بیشتر و اهم شکافت -

رزمندگان و...



لوانگون تئوری وصل وایک تشکیلات اصولی می توان وظایف کمونیستی پاسخ داد و در رتبه ها تفویذ کرد وگسترش یافت وهرچیز غیر از این پایه نهدان در ساختار بر روی شن است. پس در ایالات که سایه شواهد گوناگون از جمله بسا توجه به نظریه نهایی خودتان در کنفرانس وحدت که فعلا در ردیف باقی مانده است به چنین اشتباهاتی معتقد نبودید. از همان آغاز سازش باید بر روی دراز هر منفعت طلسمی کامر در راه مبارزه اصولی نهادید و به نفسی در انچه جهان مبارزه در عرصه مبارزه اید لولو زینک و فعالیت ملی... نبرد آخنستد و تشکیلاتی را که اکنون پس از بدشاه اجساد گردید. وجود نیابردید. این یک بهانه است جوش نیست. بلکه تنها راه برخورد کمونیستی بر اشتباهات نهادن است وحتما آموزش لنینی را در این زمینه فراموش نکرده و نگاهید گسه کوریتشیا تنها با برخورد آگاهانه و صمیمی به اشتباهاتشان میتوانند. چون فواید آید بنا شده و اصول کمونیستی خود را اصلاح دهند و بصورت یک شمل فروزان در پیشاپیش حرکت کمونیستی ایشان آگاهی را شعله برسانند. اما شما حتی امروز هم کاملا منفعت طلبانه حرکت می کنید. در حالیکه هلاکت تمام واندیشه جهان و دانش آموزان هواداران سازمان پویندگان... اعلامیه میدهند (و مانکنر شوکتیم که این اعلامیه ها نوشته های دلخواه چند نفر باشد بلکه همانگونه که به شیوه کار کمونیستی مربوط میشود. این اعلامیه به انگیز نظرات یک نیروی متذکر باید بحساب آید) حتی یک گسه به خود انتقاد نمی کنید وحتی یک گسه سبزی آن نظری را که منجر بهید این چنین تشکیلی شده توضیح نمی دهید وحتی یک گسه طبع انحرافات که گوناگون شما عبود توضیح نمی دهید. شما به این وسیله گسه کوچ کتیب تلاشی برای آنکه در به معنی سدی نیابرد. چنین کمونیستی شرکت نموده و در راه آن مبارزه کنید و به چنین جوان برای حرکت آگاهانه کمک کنید باری رسانید و شما به منابع خود کام برمی آورید. رفقا این برخورد که البته بدین نوع بد تابع برخورد سازمانی است که شما هواداران آید اصلا بسودا

وخت سرمایه داران...

چنین کمونیستی نبود و منفعت طلسمی را رواج خواهد داد. ما از رفقای رزمندگان میبرسیم آگاه هستیم که انحلال طلسمی یک جریان ضد پرولتری است. آنها امروز قبول دارند بدیده. دانش جهان مبارزه یک بد بسده انحلال طلبانه بوده است! آگاهی خواهیید در تمام عرصه های بدیده راهجویی دیگر انحرافات مثل حرکت خود بخودی محکوم نموده و به شکست بکشاید و تجارب مخطرف را بصورت آگاهی برنسیب های چنین کمونیستی در آورید پس چرا شما اجازه بدهد گشته بر خود نمی کنید؟ شما میدانید که کمونیستها از هیچ انتقادی و اجازه ندارند شما میدانید آموزشگاران لنینی به ما آموخته است که تنها با سلاح انتقاد قادریم خود را بدور از هر آلودگی اپورتونیستی نگاهداریم و شما میدانید کمونیستها انفرادی ترس هستند که به مبارزه اید لولو یک فعال نه در حرف بلکه در عمل می پردازند. نه وقتی که منافع شخصی شان اقتضا کند بلکه زمانیکه منافع طبقه کارگر و مناسبع رزمتگان و منافع انقلاب بطلند. شما سدی و اندید اگر ردی جوش هم داشته مان را از گرد و غبار انحرافات پاک نکنیم و اگر ضرورت ازین برن آلودگی هارا آگاهانه فاش نسازیم و مخالفت های خود مان را در این زمینه باسر بلندی به همه عرضه نکنیم. تنها تنها با حفظ وحدت تنگ نظران خود بسنده کردیم و نقشی در پیشبرد امر پرولتاریا نداشتیم و داشت. شما خوب میدانید که کمونیستها با حقیقت پیش از هر چیز بایدند نه به خاطر آنکه صرفا حقایق را در ذهن خود ستایش می کنند بلکه در اندک تلاشی برای پیروزی حقایق در وصل چه نقش طلسمی در مبارزه انقلابی ایفا میکنند. به این دلایل است که ما اولاً خواستار آنیم به برخورد منفعت طلبانه تان به دانش جهان مبارزه و سازش بدان برخورد در می نموده و همچنین آنکارا ضرورت ایجاد تشکیلات آموزشی و انتشاری را توضیح داده و به سیاست پراگماتیستی تان در این زمینه انتقاد کنید. آری رفقا مسای کمونیستها هر منفعت شخصی را بهد رنگه فدای منافع ولای خود می بکنیم و مناسبع طویل مدت ما با منافع انقلاب گره خورد است برای همین حاشیما هر منفعت کوتاه مدت چشم پوشیم. ما حاضر نیستیم میکروب ها و زنده های کهنه را بر پر خود تحمل کنیم. ما با

چ - ارد بهل

هر انحراف وفسادی تا ناپوی کامل آن در تئوری وصل مبارزه می کنیم پس در وصل ثابت کنیم ما همچون یک کمونیست وفادار این اصول م. ل. و مصالح انقلاب هستیم. رفقا اندرز ایمنی را از زبان وصلی استالین بکار گیریم " هرگز از چیز کوچکی چشم نهوشید چون از غرور است که کلان بر می خیزد " آری هرگز از انحرافات کوچکی چشم نهوشیم زیرا منشا انحرافات بزرگ فرد است.

- ۱- رجوع کنید به جزوه برخورد به چند انحراف... و "بازهم درباره جنبش دانشجویی... و جهان بهد ایمن تشکیلات دانش جهان و دانش آموزان هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
- ۲- رجوع کنید به جزوه سازمان در مورد انتباهات "انحلال طلسمی روشنی شعار های وحدت.

تادرجهان از ظالمان کهترا بهاند نام و نشان!

نقدی بر نهایش اتحاد شوراهای فبرد با آمریکا کار جمعی از کارگران مسلمان (مجاهدین خلق) محل اجرا: تالار مولوی

قانون کار آمریکا () را حل کنند و بعد اتحاد به عاتق می گیرند که تمام فرار اد های امپریالیستی را فرو بگرد و با کشورهای مترو () لا بد از نوع سوسیال امپریالیزم شوروی قرار از بپندند . . . سهام بعضی از گمانها را حل می کنند . . . و این روی طولانی هم منظور از راه پیدا میکند تا اینکه نمایندگان کارگران حتی با نمایندگان امپریالیزم آمریکا رود رود و آنها را بعد از صلح اتحاد به ها تهدید میکنند . در این روی طولانی اشکالات بسیار کوچکی وجود دارد . . . نتایج اتحاد شوراهای . . . لطفاً کند توضیح ده که نمایندگان شوراهای اتحاد به ها به کدام قدرت متکی هستند و به نام اجرائی برای تصمیماتشان دارند . یکی از اشکالات کوچک در اینجاست که نمایان با این سروکله بیرون از در کارخانه یک دولت کوچولو هم وجود دارد که لزوماً ارگان سرکوب یک طبقه است و اساساً قدرت واقعی فعال در دست اوست . حال در وستان ما جواب بد هند که آیا این دولت عقب رهبری کارگران است یا سرمایه داران ؟ آیا منافعی در تحکیم توسعه شوراهای قدرت در آنها نهفته است یا شوراهای

در کار و رصحنه اول نیز به کار می گوید . آنجا که راوی می گوید " . . . کارخانه ای که کارگرانش بدستور امام اعتصاب کرده بودند . . . حالا اگر امام و آیت اله طالقانی را از اینجاسر داریم در یک عهده ای می ماند و نه شورایی باز خود می پرسم چگونه نیروی انقلابی که در روضه مبارزه بود ، حقیقت را نمی بینند ؟ چگونه میادش آورد حتی قبل از آنکه امام بفکر برسد کارگران تهران نفت اعتصاب کرده بودند و نگهت های اعتصاب در بسیاری از کارخانه ها پیدا شده بود و بعد از یک ماه شروع شد ؟

بهر حال در نمایان اینگونه شورواتشکیل میشود ولی با فضای فرصت طلسم چون " کرم " که کارگران را با طاهرانقلابی نمای خود می فرید کم کم کارگران می بینند که شوراهای از کارفرما حمایت میکند . آنها به روح حاجت شوریایی را در کار کرده و به رهبری کارگران مبارزی چون صفرو آقایی و شوروی نمایان را منحصر و شورای خود را با اعتصاب صفرو آقایی تشکیل می دهند . راوی نمایان می گوید علاوه بر یک شورای واقعی تشکیل شد " ولی شورای جری بد نیز با همان مشکلات روبروست

کمبود مواد اولیه و وسایل بدکی ، کارکنی کار فرما و غیره . . . کارگران خود شورای بالا خود به این نتیجه می رسند که با شوراهای صنایع شاهانه تشکیل اتحاد به بد هند که همین کار را می کنند . یکی از دستجاتی نمایان می گوید: " اتحاد به قدرت گرفت چنانکه بسه کارگران توانست خیلی از مشکلات را حل کند . مشکلاتی که تا آن موقع شورای به نتایجش نرسد به حل آن نبود . " و از همینجاست که نتایج شروع به نمایان یک درونمای تبلیغی میکند . روهاها در صحنه شگلی می گیرند و سعی میشود نمایان می گوید که اتحاد به ها توانستند مشکلات

خود می بیند کارگران مسلمان وابسته به اجاره خلی ایران ، نمایان بنام اتحاد شوراهای فبرد با آمریکا چرا که در کعبه است نگامی کوتاه به آن میباید اینم . حضور نمایان مبارزات کارگران یک کارخانه است . ابتدا ای نمایان گوشه ای از مبارزات کارگران را در قبلی از تمام بهمن نشان می دهد که چند نفر از کارگران بوسیله دستک های سرکوب رژیم شاه و عاتق رهبری اعتصاب دستگیر می شوند و در حضور کارفرما به محاکمه کشید و می روند . " صفر " و " آقایی " کارگران مبارز کارخانه ، در این صحنه روحیه پرورتری ورزیدند ، خود را به نمایان گوشه ای از واقعیت را در برابر محاکمه کنندگان می ایستند ولی " کرم " کارگر ترسوئی که از منافعی طبقاتی خویش فاصله گرفته است ، به نفع تسلیم سرکوبگران رژیم می گردد و چنانچه او را از کارگران مبارز کارخانه را لو می دهد همه التماس و زاری می برد از .

در صحنه بعد همین کارخانه را بعد از تمام بهمن می بینیم . کارگران کارخانه را به اشتغال خود در آورد و مشغول بررسی پرونده ها و اسناد هستند . کرم کارگر ترسو سابق اینبار بگسر سلمان و آشنای شده و سلام و صلوات خود را در جلو می اندازد و اینچنان انقلابی می شود که کارگران مبارز را از زمین بر می کند .

در اینبار راوی نمایان از مشکلاتی - می نمودن مواد اولیه و وسایل بدکی بود و درگیری بین کارگران و در برافراشتن صحبت میکند . کارگران در میان کارخانه را در روضه طالقانی پیدا کرده و تصمیم می گیرند که شورای تشکیل دهند . نتایج " اتحاد شوراهای . . . نشان می دهد که نمایان در آورد تمام خویشاوندی شکست خورد می بیند که در نتیجه سخنرانی آیت اله عارفی تشکیل شد و در دست همین

وسيله سرنگونی ارتجاع باشند. اختاره انگار که
 زنی در راهبان حکام است و با خود و دندان
 ورد ان و ترور از سرمایه داری حفاظت نمی
 کند و بد همین خاطر سرور دمی نشانترستان
 می خواند که ... ساز به جان ازطالمان
 در بگرماند نام و نشان ... اینگونه می خواهد
 حتی نام و نشان شاهان را هم براندازد. تا
 رقم های قانونی و در مورد ده سیستم
 سرمایه اوری وابسته و بدون هیچ سرور و
 بازیم - جمهوری است ؟ اینطور خواهد
 جامعه بی طبقه بود و با پرورد ؟ پایه
 نشانانرا شش می گویم که روپاها در شاخه
 مشوب کردن در همین آنها در مد و س کردن
 سرورهای انقلاب و مردم سرور و ... نتیجه ای
 ندارد. روپاهای شهادت رقص نظامیان
 این و خوابهایی است فانی برای اصلاحات
 سرور وانی ! شما باید دست از این اندیشه های
 تیرانی بردارید شما باید میدانید اصلاح
 طلبان پیوسته حاضرند از خود ده سرمایه
 صافی پارافرا بزرگ دارند. آنها بازره سیاسی
 هم میکنند ولی مرکز حتی در روپاهای هنری
 شان هم حاضر نیستند تمام سرمایه داری
 را بر سر قرار قرار دهند.
 آنها در دوس می کنند به همین اصلاح
 داده ۳ قانون کار و اندام صحن طبق
 طبقه بی و صاف ... کمونیسم با هم خواهد
 این اصلاحات هستند و اینها تمام
 - و استعدادهای انرا تکلیف می دهد - کس و
 نیستند این اصلاحات را می خواهد سرمایه
 داری شدن راه بجهت نانو و سرمایه داری
 و استه برای برقراری قدرت واقعی و جهت
 شان سرمایه داری برقراری سوسیالیسم.
 و در صحت حاکمان و استعدادهای آن در عمار
 - و به همین اصلاحات و مددی می گذرد.
 آنها همیشه این اصلاحات را در بزور قیام
 های خفاصه انقلابی می گذرانند و مدام
 ندر خود راه کاری گریزند تا مردم های بزرگی
 راه جان اندرند - خاندانها
 هم دارند و با پای حس نسانی و کار
 - و در نشان نشان مثل آنها با استوار این
 مستعد که ... در جهان از - انان
 معاد نام و نشان !
 و زاده روپای نام " اندازد و با ...
 با آمریکا " اندام به جانی که معلوم شد
 بالا در دولت سرمایه داری راه نبردند
 با بنده های کمپانی های آمریکا ریسترو

شده و بنامیده کمپانی شهید می کند که ما
 می توانیم همه ایران را با تمام
 وقتیکه چند بار به دست ما با
 بود " نشانتر " اندام سرور ها ...
 بالیزم راه یک ساحه اقتصاد و ...
 دیده که در تمام ... سیستم سرمایه داری
 وابسته ایران در بر داشتند و البته آری
 چیزی بیرون از مرزها می شد و به نتیجه
 طبیعی - نین درکی نیز میرسد و کار
 مبارزی که عضو سرور است و به واپ کار
 مرد در کارخانه " کریم " که آنگارا از سرمایه
 در حمایت میکند می گوید " ما خواهان
 تغییر ما و انقلاب نیست. با دوس استوار
 کند " نشانتر " انقلابی به زحمات
 " سرمایه داران و آباد و آینه دوس
 خوبی زندگی کنند حرکتی و عواصی استوار
 در و استوار شده به سرور و به نسی
 امپریالیزم است! به ارتجاع داری ناری
 نداشته باشد - خیره - اندام
 در زنده با سرور از آمریکا است! -
 امپریالیزم را از پایگاه اصلی سرور
 داری در اندام و مدور " ارتجاع را
 و روش " خطر تجاوز سیاسی " آری
 نوکوشی بدون تجاوز نداری آمریکا
 ساز و دوا به زحمتگان مدعی و نو
 مانده از آمریکا جدا از سرمایه دار
 وابسته است. نه و دوسا هند و
 ده به پایه اقتصاد و ...
 لیزم و طبعه کارگر و زنده " ایران راه
 آنتی و عوب میکند و در راه
 توحید " هم در " ایضا " کار
 به سند کاوشنگل ناد سرور
 است و می یابند که خاندانها
 سگش مانیس دولت سرمایه دار و
 روش بازار ارتجاع " نام و نشان
 الطان " را از عهده نیتی بردارند. او
 باید ایران و با سازندگان سیستم سرمایه
 دارد وابسته داری کند. نتیجه کار
 به شرق که امپریالیزم را در و ...
 آمریکائی " و " خاندان " لایحه
 و اقتصاد و داری ... از ایران

رقاوت و ستان دانش آموز!

طرحها و نقاشی های خود را که با
 الهام از زندگی زحمتکشان تهیه
 کرده اید از هر طریق که می توانید
 برای آبان بفرستید.
 " طرحها فقط بارتک سياه تهیه
 کنید و از بکار بردن رنگهای دیگر
 خود داری کنید "

شیر آبیان

صفت شیر آبیان را در ابتدا با سوره
 اندام ...
 استعدادهای ...
 او آنها ...
 بین ۱۱ تا ۱۲ ...
 نوی ...
 همه ...
 را ...
 کار ...
 ...
 از ...
 نشان ...
 ...

شیر آبیان

صفت واهی ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

احساس مسئولیت، فداکاری و پیگیری را از رفقای لاهیجان بیاموزیم

کارملایم ما

ارتجاع رابه وحشت میاندار

روز دوشنبه بعد از ظهر برای بدن نه از رفقا به در رسید آن عارف ترقیبی رفتیم جانی گرفتار کمونیستها و نیروهای انقلاب. آنجا کتاب و روزنامه گذاشته بودند. ساعت ۲ ساعت بود که تشویه بیکار گذاشته بودم و خودم در ویران آن مانند تمام رفقایم نشسته بودم. در بوی نگذشته که پاسدارا مسلح ناگهان میان مردم آمدند و مرا فراگرفتند در رحمن فرارهای زمانی که پلیس، اسلحه میان مردم می ریخت اقدام نمودم برای فرار هند بگروا هل میدادند من نمی توانستم فرار کنم. پاسداران مارا گرفتار طرف ما نشین بردند. بعد از اعلام داشتیم پهلوی اطلاعیه ها را توی جوی کنسایا بیاوردیم بعد ما را توی ماشین سپهر بردند. آن بود که در بوی هم رفقه چهار نفر بودیم. ما نشین حرکت کرد مردم با صداهای بلند امرک برپاسد ارتقی گفتند پاسدارها را هم میگرد پاسداران هم آمده اند. تیراندازی بودند ما نشین از آن محوطه دور شد توی ماشین بگو قسم میخورد من کاری نکردم و کینه میگرد. هر برگشتیم گفتیم از ما بد رنگی ندانید. کاری نکردیم ما رهگذر بودیم بی گناه هستیم.

ما را بردند به سپاه پاسداران اول که وارد شدیم کلی گنگمان زدند بالنگ. دست و سبلی بعد ما را گنگشتند و انداختند ما را توی زندان وقتی وارد شدیم به یقه باند بگر راجل و تراز ما گرفته بودند. بعد از آن تی فیدیم هم اورا با روزنامه راه حق گرفته اند (یک گروه از همسایه های من نام آرمان مستضعفین) توی زندان همه ناراحت بودند. رفقا شروع کردند به بگ بگر رومیه در آن. خانوی زندان در فخر بودیم یکی آرمان مستضعفین یکی هولاورد افی یکی بگین طرف یکی دیگر تاج دوی می خواندند ای بود هم من هم هوادار بیکار بودم.

مستظفر همه ما را بدین هیچ جری گرفته بودند بدین و اینکه از ما روزنامه پخش می کردیم آنوقت با شدت ترقی گفتند برپایان شام آوردند کسی شام ندادند. هر دو نیمه بود یکی یکی پاسدارها می آمدند ما را نگاه میکردند در چنان گناه

نضای جنبش کمونیستی از طراوت انقلابیون که چون فولاد آبد به فاند برخواهد شد. آنان هر یک در رهیشان شورشی تپید که شعله های نروزان آن در رضح به پیوند بازحمتگان منجر به فعالیت سترگ شان میگردد. فعالیت منظم این رفقا که از سپیده تا شام ادامه میابد باید باید الکتری برای گلبه رفقایمان در سراسر کشور باشد.

رفقای هوادار در لاهیجان! طبقه کارگران پیشفراول نیروهای انقلابی همین ما هم اینک در ویران تدارک پیروزی فردای سرخ زحمتگان را می بینیم. بسردن آگاهی به درون طبقه توده های زحمتکش از ضروریات فردای پیروزی است. تلاشهای سگولانه شما، خودگامی است بسوی پیشرفت سرخ ترحیماتگر اینان کمونیستی و فداکاری تا به آرمان طبقه کارگر و زحمتگان سرخشان صمیمانه آرزو میکنیم، اما پیش از آنکه در شان شما را با فداکاریم اجازه دهید از شما گله کنیم که چرا نتایج برتر کار و فعالیتتان را بطور منظم به ارگان سراسری شان ارسال نمی کنید. رفقا مطمئناً شما به اهمیت یک کار همیشه سراسری واقفید و مسلماً می دانید که چه وظیفه سنگینی بر کوشش قرار گرفته تا در بار تان راه هزاران نفر از رفقا. لاین انقلابی که چون شهاب رگوشه و کنار سبه مبارزه مشتعلند برسانید و مسلماً میدانید وقتی هر رفتی در درود ست ترین نقاط همین از بیکار بگرفتن با خبر می شود. چه نیروی طبیعی در خود احساس میکند، پس باید به بند ها وصلید. دینت مصلی را شکانت و باید به بی بازه تاد ورد ستان را بدید. باید آن آرمان مشترک ما را که در کار تشکیلاتی مشترک تجلی میدهد، در زمین حال در هر یک همان خود را نشان دهد. ما مستظفریم که بطور بسیار فعالانه تر و مسئولانه تری گزارشات کار خود را می و فعالیت انقلابی و مبارک و اخبار بگوناگون را برای ۱۳ آبان بفرستید.

با آرزوی موفقیت تان - ۱۳ آبان

در زمان رفقای شهرستان گاه ما با نمونه های از فد اکاری و عشق بکار انقلابی و تلاش عظیم کمونیستی روبرو می شویم که نه تنها موجب خندندگی می شود و محسوس می شود بلکه خود منبع نیرو و شور به حساب می آید. ما اطلاع یافتیم رفقای لاهیجان، یک نمونه باید از این احساس مسئولیت و فداکاری هستند.

این روزها که ما شاهد تهاجم گسترده رژیم ضد خلقی به سازمانهای سیاسی و فرهنگی سازمانی که ما هوادارانیم، یعنی سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر هستیم، این روزها که شاهدیم هر چه طبقه کارگر از نیروی خود در ویران ساز بیشتر هم به صحنه نبرد می نهد ارتجاع فشار و سرکوبش را بیشتر افزایش میدهد. این روزها که حلات ارتجاع متوجه انقلابی و مخصوص کمونیست ها این وادار تیرین نیروها به زحمتگان شدت گرفته است و نوبت نیز تهاجم در نشانه بطرف سازمان بیکار و هوادارانش گرفته شده است. هر چه خود رفقای که از بدین خستگی ناپذیر و جوانان تازه به مبارزه می پردازند، برای مسافر آفرین است.

رفقای هوادار لاهیجان در انجام وظایف کمونیستی خود، یک لحظه آرام نمی نشیند، این رفقا نه تنها در ویران تشویه بیکار فعالانه فعالیت می کنند، بلکه با ابتکارات بگردد و تلاش عظیم در جهت بریدن محط سازمان به در رفتن توده ها، آگاه کردن زحمتگان، خدش کردن تبلیغات سراسری و آماج انجام میدهند و نقشه های ارتجاع را در بگردد و پیگیری از پیوند کمونیستها تاد و نقش برآب می سازند و ارتباط و همبستگی با خلق خودشان برقرار می کنند.

رفقایمان در لاهیجان و شهرستان را بدیدند. نفس ها و شمارنویسی، بحث های باگرددند و فریاد تشویه و مصلحت منقلب بر کرد و اند و هر روز فریاد رسایشان در فضای بیدار شهر وطنی می انگند. آنان بیکه های بی باک بیکار در راه آزادی طبقه کارگرند، آنندان لفظه های سرخی اند که فردا وقتی بشکند،

پاسداران سرمایه

چگونه از رسیدن اعلامیه ها

گهرونیستی بدست توده ها میخست دارند

روز سه شنبه ۶۶/۵/۲۱ در محله مسا (کوی بهروز - خورشید) اعلامیه هایی از سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پخش گردید که بسیار جالب خط منی هیئت حاکمه بود خلقی را در مورد شوهر و حساب بازمانده آن شهید ای صیبارکند و تذلیسه نماز که همیشه زحمتکاران اشفاق شده بود در روشن میکرد.

پاسداری که منزل آنرا از یک خانه ما است بعد از پخش اعلامیه ها با سرعت بیست و نوبت و سوار بر دوچرخه در سه نوبت و شش نوبت را در بر گرد و شروع کرد ند به در خانه ها نوبت که با اگر اعلامیه ای در خانه شما انداخته اند باید دید که بهرم چون این اعلامیه های گمونیستی همینه خبرهای

در نوع می نویسد و ممکن است که بعضی ها باور کنند و پس پیمز طی خیابان فقط چند ساد و لوح اعلامیه ها راه آنها اند. آنروز نتاخذ بودم که چطور مردم که مطمئن بودم بیشتر آنها اعلامیه ها را گرفته بودند از در آن آنها به پاسداری و ستانی خود نگاه میکردند. ناگفته نماند که آنان با استفاده از احساسات ذهنی بعضی از بچه های کوچک هم چمتان از آنان ناری میخواستند ولی من با کسیه دی یکی از آنها به کنار و صحبت کردن با او که آنها به نظرتو پیکار صحیح است و آنها مردم در پیکرخی آزاد نیستند اعلامیه بدادند و . . . انتباهش را به اطمینانم باو پایکی در تا از دستانی از بقیه جدا ندند.

بعد از چند دقیقه دستانت هم که همیشه دستکار را کرده بود ند با جدا کردن آنها " پاسداری و ستان" از پیکار منصرف شدیم و در راه و ستان :

در اندای هرچه بیشتر ما میخست خد خلقی هیئت حاکمه و پاسداران سرمایه کوتاهاستیم از خرسد بهر . . .

۵۶/۵/۲۲



شیوه هایی از فروش توده ای نشریه در کرمانشاه

کردی برتن داشت بهینهاد خرید بیکار کردیم ۲ عدد بیکاریک ۳ آبان از ما خرید بعد جلیانمان بود ند خانه را به نشان در و در راه در مواظب باشید اینها خانه جا شتا

است همه اینها باید اروجاش هستند محمد جوی ما را افتاد به کوجه ای وارد شدیم پسر به ماگفت این کوجه از خود ما هستند بعد ما در همانجا ۳ بیکارو ۴ عدد ۳ آبان بزنان در خزان آن کوجه فروختیم به از رفیقان راهنما پیمان خد احاطفی کردیم مرتب صدا میرود مواظب خودتان باشید جا شتا اینها پستی هستند به خانه ای رسیدیم در خسترو خانه در حال شستن لباس بود او آمد ازیم ۲ عدد ۲ در آمد و گفت کاروید اریه گفتیم خانم بیکار کنی ۲ گفت چه نوشته ؟ گفتیم اینا را کردستان - تحلیل هایی در باره وضع اجتماع در باره نقی شهرام . . .

بعد ۲ عدد بیکار و یک عدد ۳ آبان خرید و گفت پسر همیشه از این نشریات می خواند بعد از راه در این خانه کنار ما خانه جا شت هاست مواظب خودتان باشید به در خانه ای رفتیم از آنها یک خرواشتم خانم خانه که لباس کردی به تن داشت یک خانه بیج نوی لباس انداخت و بهار در پس از خوردن آب گفتیم خانم بیکار کنی خری ؟ گفت و دستم ارم بخرم اما سودا در ارم بچه هم که ندارم که به من سواد یاد بد یا نشریه برایم بدواد بعد از او خد احاطفی کردیم به مری رسیدیم گفتیم آقا بیکار کنی خری ؟ گفت چرا نخورم

دو عدد بیکار و یک عدد ۳ آبان از ما خرید در حال فروش نشریه به دختری که لباس کردی به تن داشت بودیم که زنی ما را در آید فکر کردیم می خواهد بیکار بخرد با بعضی زنشده گفت این جزو پند هاجن هست که می فروخته اینها تمام از نسوری و آمریکایی آید این ها سازمانهای وابسته به کشورهای خارجهسی هستند گمونیستها منطقه کردستان را اشغال کرده اند و دخترش او را به کنار ارم ما شروع به صحبت با او کردیم اما قانع نشد مرتباً جیب میرود دختری که به او بیکار فروختیم آهسته گفت می خرد اینها جا شت

بقیه در صفحه ۱۱

روز پنجشنبه به منظور فروش بطرفی کسی از محلات فقیرترین برای افتادیم . ساعت ۵ / ۲ کار فروش را شروع کردیم اولین مشتری ما چند پسر بود که در کوشه ای جمع شده بودند بازی میکردند وقتی به آنها گفتیم ۲ آبان می خردند خندیدند ولی وقتی دیدند ما با آنها جادی صحبت می کنیم باور کردند یکی از آنها گفت چه چیزهایی نوشته ؟ گفتیم در باره هیئت حاکمه و مدارس اخبار کردستان . . . بعد به شستن این جمله یکی از آنها گفت صبر کنید الان می آیم بعد رفت پول

از خانه آورد و از ما یک عدد ۳ آبان خرید و با هم شروع به خواندن کردند در همین نرفرا قالی بود که با بچه کوچکی کنار خیابان ایستاده بود بچه را بیک کرده بود . جلو رفتیم و ف " گفت آقا بیکار کنی خرید ؟ گفت هرچه نشریه گمونیستی داشته باشید صبی خرم بعد یک عدد بیکار و یک عدد ۳ آبان به او تحویل دادیم از او پرسیدم آقا شما کرد هستید . گفت بله . گفتیم از کردستان چه خبر . گفت در بروز درگیری بوده پیشتر که ها نشریات سختی به دشمن وارد آورد هاند بعد خد احاطفی کردیم و برای افتادیم .

سومین مشتری خانم خانه داری بود . یک بیکار به او فروختیم به چند پسر که در حال تله بازی بودند بهینهاد خرید بیکارو ۳ آبان کردیم اول قیمت آنرا پرسیدند و به ما گفتند همینا با بستن الان برویم پولها بخریم بعد از ۲ دقیقه انتظار سروکله سه رفیق کوچکمان بهد آمدند یکی از آنها گفتیم ما رس را بدست داشت و از تو آن ۱ ریال را آورد . ما هم ۳ آبان به آنها فروختیم به دکای رسیدیم که فروخته در حال جری زد بود و گفتیم آقا بیکارو ۳ آبان ارم می خردی ؟ مرد گفت به دردمانی خیره اول فکر کرد ما ذه هیئت حاکمه که استوای نشریات را برای توضیح در آن یک عدد ۳ آبان خریداری کرد . بعد به پسر که لباس

مراسم چهارمین روز شهادت رفیق شهید تقی شهرام برگزار شد



دوشنبه ۱۰ شهریور مراسم بزرگداشت چهارمین روز شهادت رفیق شهید تقی شهرام در هشت زهرا، با حضور عده زیادی از همزمان و رفیقان شهرام برگزار شد. شهرد و هیجان حاکم برای مراسم نشان داد که شهرام و دیگر کمریستها، هرگز نمیروند، کمریستها با خطر سرخی که از خود بجای میگذارند، با آمرزشها و مبارزات انقلابیشان، زندگی خود را به مبارزات خلق میبخشند و در وجود فخر جان کمریست، ولقبه کارگر و قود مملی انقلابی به حیات خود ادامه میدهند.

★ راهش و یادش پاینده یاد!

کار مداومها، ارتجاع ...



میگردند که فکر میکردند پس کار گرفته اند. هر چه سعی کردیم بدوایم آنقدر زودتر بود. انواع گسبها آنها بود که لکله اینک بدوایم بد اشتیم تا صبح بیدار بودیم و هر لکله منتظره انتظاری کشیدیم تا اینکه بنیاید و آرا با زجونی کنتد - ساعت ۱۰ صبح بود که مرا برای زجونی بردند وقتی وارد اطالی بازجونی شدیم گلی نشیره بیکارو ۱۳ آبان بیکار کردستان را آنجا بدیم که اینها را بر اثر چند بار حمله به دست آورده بودند. ازین سؤال کردند است چه؟ بد رفت چکار است؟ برادر و خواهرات چکار میکنید؟ خواهرت حساب دار؟ نمازی خوانند؟ چرا کار بیکارسی فریض ۲ چرا ۱۳ آبان می خوانی؟ ازمن سؤال میکردند اگر تو سلمان بنی نرق آه سوریه چیه؟ از بیهوشی استند فقط پنج نفر از بچه های بیکار ندانی که کونیمتها و بجا هد بین و بینشها رالو بد هم. در جواب گفتم باور کنید من کس را نمی شناسم سر این مسئله کلی با زنگله خبر د. طوقی کسی رالو نداند. بجهه "سوالهایی را که کردند همه را غلط جواب میدادم. در انتقاری بازجونی آنقدر بدتم کردند من فحش

دادند که خودم واقعا* حس کردم این دولت ضد خلقی است و نمی تواند و نمی خواهد خواستهای برحق خود را بدهد. کسی که میخواهد کرد شخصی معروف به حسن صوری بود. اقامتای جاسوس ماند و حمله باگلی و ارد و سیاستی این است که به هر شخصی بدین حد درک نمی رسد. بارها صحبت بهمین این بود که میگفت ما هفتاد هزار کشته در راه اسلام دادیم نوبی گویید و گشتد و کثافت آوردی عین این همه شهید ای اسلام را با بیال کنی حتی این شخص در بازجونی شرط بندی میکرد. سر هر موضوعی که البته آن هم از سیاستش بود برای اینکه بتواند حرف از دهان ما در آورد، این شخص چنین میگفت: هر موضوعی را در روغ بگوئی ۸۰ صوره خلافت می زنیم. در بازجوشی آنقدر سؤال از من کردند که از نظر روحی وضع خراب شده بود. بعد از محاکمه من و رفقای دیگر را مساکنه کردند. بعد از محاکمه آنها و نفرشان را آزاد کردند بعد از یک ساعت ازمن تصدیق گرفتند چه زور از خود استند آن تصدیق و اطباء گتم. ولی آنها باید بداند با اضا کردن تصدیق نمی توانند جلوی فعالیت سیاسی ما را بگیرند چون ما ایمان داریم که به خاطر هدفمان که برقراری جمهوری در مکرانیک خلق است مبارزه و ادامه

هر روز با مبارزات انقلابیون طبعه ضد انقلاب و ارتجاع مرگ بر سر اینهاست آمریکا و ارتجاع باغلی

رویزیونیست‌ها نمیتوانند علت واقعی مسائل را توضیح دهند

بچه های بیشگام (اکثریت) در ریلک گوشه میدان باب نمایشگاه در بهار گرانس گذاشته بودند و ده زبانی هم دروشان جمع شده بودند و صحبت میکردند و نزد یکدیگر شد و خود م را داخل بحث ها کرد م . پسر جوانیکه نمایشگاه را درست کرده بود با دوایرت زیاد حرف میزد و مذاطبتی هم سرد میانه سالنی بود که گویا کارگر بود . مرد کسه انگار از سرکار میمنت به پسر جوان میگفت "ببین برادر آمده این چیزها چه شده اینجا کشته بین . این کسی چه ؟ ده تا واسطه این وسط هست . جنس از دست اونهار در می شه بعد گریه میشه . ببین اگر این واسطه هان باشند چی میشه ؟ فری کتم اصلا" دلالی هم در رگانه نشاند . این کتم م جعفر رفیقتی فری میگفت . . . پسر جوان که معلوم بود باوق و بد زور زیاد می داد و بافعا میدوید کسی را نگاه کند گفت : "ببین مای کیم اگه این واسطه هان باشند کتم م را از تنه دست نانوائی ها سر به بعدش هم من وشا نان را از زورتن می خرم ."

کتر . . . جوان گفت : "بالاخره تخفیف میده یا نه ؟" مرد گفت : "ای برادر . . . تخفیف ؟ مسا شصت هفتاد هزار تا کشته در اد هم این شاه آگهی گیری را بهرین کردیم که حالا تخفیف بگیریم ؟ نه برادر در بگه خود ولت هم زیار حرف دلال ها را نمیزند . دولت می خواهد آرشه های گرانی را از پیشه بزند و . . . مسن طرفدار دلال هانستهما اما ما کیم ایسن چیزها که کتم اگه در دست بشه اصل مطلب در دست مده و اونوقت میشه ریشه دلالها را هم زد ."

بهرت میگی ها . . . از یکطرف میگی دولت سرمایه داری است ، از یکطرف دیگر میگی تونه کارکنند . باهاجون من اگر کار از ریشه خرابه هر چی بخواهی جیب کاری بکنی بازم از هم وامیشه . اگر دولت نمیتونه کارها را از ریشه درست کند ، شوروی چه کلی به سر ما میرزه ؟ وقتی کشاورزی ما خرابه ؟ تازه فرض کتم گند م هم از شوروی بیار چه فرقی میکند ؟ جوان گفت : "مای کتم دوتا اردک بیشتر نیست . یکی امیرالمسلم یکی سوسالمسلم . ما باید باارد و نگاه سوسالمسلم رابطه برقرار کنیم مرد گفت : "آخه باهاجون از دم کتم اندا کیم به رتو بود فاضل ، از فضل بد ترا چه حاصل کیم که شوروی هم فرشته . . . خوبی کی ایسن دولت سرمایه داری هست ، می کسی کارش ریشه ای نیست . کیم بافرشته هم د ساز شد چه فرقی میکند ؟ آنها هاشن د ، دوتا چهار ناست . . . حرفهای شاه هاشن بی معنی است ، چرت بورت میکنن . اصلا از قضا ما خبر اند این . . . و رفت ."

مرد گفت : "مثلا" جعفر را از تنه ؟" پسر جوان گفت "ارزانتر بگه" مرد گفت : "آخه برادر من ، وضع اینم خرابه ، انگار اصلا" خبرنداری کتم م را از اراج مس آن پسر و جیام که شایق چشم و ابوی مسسا نب تن که گریه غمروشه . آن کسی هم که زمین دارد که برایش صرا نمیکند ارزانتر بفروشه . تازه دهاتی ها هم که از کنت و زراعت اموزاشن نمیکند و ول کرده اند آمد و اند شور . حالا کیم چند تار لال هم

تونه به اوضاع تخفیف مده ؟" مرد گفت : " . . . خیلی نوی گی دولت سرمایه داری ونوی تونه کاری بکند ؟ . . . جوان گفت " ما کیم اینکارها رو مده اهل میتونه بکنه . در تانی لفظ دلال هم که نیست ذلیلی کارهای در بگه هم باید بکند تا وضع نسبتا" درست بشه" مرد گفت : "مثلا . . ."

جوان گفت : "مثلا" باکشورهای سوسالمسلمی رابطه برقرار کند ."

مرد گفت : "پسر جون خود مانیم ، خیلی جرت و

لرد تو ان بگیرند ، نهارا هم در موت صاحب ازستهران بودند . کارگران باهیزند میکنند "دیدی چه طور باید ازان حلقان را گرفتند ؟!"

آری از یاسد ازان رژیم سرمایه داری جزاین هم انتظاری نیست . . .

(۲ - خ)

۹۱ / ۶ / ۶

دانش آموزان در چنگال . . .

همه بی عدالتی و تبعیض پیدا می شود . اوادیر مرد ارد و نفر از طرف سپاه باحد ازان پیش صاحب رستوران آمده و در رستوران اسم تمام کارگران را نوشته و جلوی نام امضا کرده ، حقوق ۶۳ / ۷ تومان را نوشته . وقتی کار

گران آنها را مشاهده کرد ، اعتراض کرد ، ند که پس چرا حقوقی را که در دفتر نوشته اید به ما پرداخت نمی کنید ؟ یکی از آنها گفت چون شما محصل هستید به شما تعلق نمی گیرد . گفتیم پس چرا به کارگران غیر محصل نسی د میده ؟ در جوابمان گفت چون آنها هم موفق هستند به آنها نیز تعلق نمی گیرد . بحث بین ما و آنها در گرفت بعد سرآغسیر گفتند اصلا" به ما متوسط نیست ما وظیفه داریم این لیست را بنویسیم شما ای . . . خواه شد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پایان سیخ پدیده ناهماهنگی

رفیق آ - خوزستان

گزارشی که از اقدامات بانک خود هانیت به رفیق شهید مهدی طوی شوشتری برآید، فرستاده بود بدین ایش تیان میداد که کمونستها با نسی تودی های - انقلابی چگونه میتوانند ریزه های مادی ریحتمتی انسر بگ آردن . منتظر نامه ها گزارشات بعدات هدم .

رفقای دانش آموز دیوار

گزارشات مختلف شما رسید و دشمنهای آینده تیره قطعا از آنها استفاد میکنند . اینها مانند هر چه بدترین و شرفرستی و سنی که سرمایه داری وابسته و دشمنای حافظ آن برزحمتگان صیبن مان وارد می آورند و در گزارشاتان بر روی مورد دقت قرار گرفته است یکی از دین آموزان که اسم خود را مشخص نگذره است - تهران

- استانی که تحت عنوان "دین و یار" بود فرستاد بدین دستاورد رسیده است . از آن در نتیجه استفاد و ذخایم کرد .

رفیق ن - آرزو بهی

گزارشها را ستم و خفا رکتی جنی ها با سدا را ن ولت جمهوری اسلامی برزحمتگان جامعه فرستاد و بوی بد رسیده .

رفیق (س - خ) - خورشید

روز های گرم و درختان نار ایذ بر ا طنینی که در روابطه با مخالف "تعالیها خلاقین مسله خانواد" بران مانوشته بودی ، به رشتی به یک نکته اشاره میکرد آن اینکه ما اید در رابطه او انتهای مقاله توضیح سنی ایدم که اشکالات موجود برای وقتها و استان دانش آموز در روابطه با خانواده ایشان پیش می آید ناشی از فرهنگ استعمار ی است که در ولت های حافظ سرمایه داری بسته در سطح جامعه در خانواده ها ایدم .

دانش آموزان که در جنگال استخوان

س دانش آموزی هستیم که اوقتی به سن ۱۲ سالگی رسیدیم . تا با سناها را کار حکیم تا برای خودم پشاک و معذاری پیراند از برای تحصیل تم به تمامم والان مدتی چه ارسال متوالی است که تا سناها را در یکی از پلازهای اطراف شهر با کاری کنم . اسال من در رستوران پلاز که یک سرمایه دار آنرا اداره کرده و در تابستان از این طریق هم تفریح و هم سرمایه اندیزی میکند کار میکنم . اکثریت کارگران این جا محصل هستند و یاد رشتیانه روز ۱۲ الی ۱۵ ساعت در رستوران کار میکنم ، ولی با مزد بسیار ناچیز . به کار سنها حقوقی معادل ۳۰ تومان میدهند و من یک کارگر در بگر در سطح ظرفشویی یعنی در رسدترین قسمت رستوران کار میکنم که حقوقی معادل ۵۰ تومان بگیریم . از جهت که به اینها با هم در سناها با همایان که مرتب در آب ماسیج ظرفشویی میباشد . تماما زخم شده است . رفیق هنگام گاهی از ظرف ها سنگی تمام ارگانهای د ولتی رابه فحش و تاز سزا میکنند . در مقابل این شرایط دشواری که ما تحمل می کنیم . هم های سرمایه دار که همیشه در ناز و نعمت بودمان به اینها آده و به خوشگذران و تفریح میبرد آردن . این چیز است

که در جامعه سرمایه داری (مثل ایران) نظا بر آن فراوان است و سنها و رجم سوری و موکراتیک خلق است که دیگر اثری از این طبقه در جامعه

بقیه صفحه ۱۵

وخت سرمایه داران از کتابهای انقلابی

اسم من طی است . من در کتاب اول اهدا کردم . در سن ۱۰ خوانم . روزها در یک بستنی فروشی کار میکنم و سناها در سنا . این را هم بگویم که من روزها آند در سنا مشغول میشوم . سناها در کتاب در سن خوانم میرد . بدوم در یک کارخانه " موزا شیک سازی کار میکنم و برای رکتی که هم با نظارتیک شری خانه سنا تا سنا نمیشود در یک کارخانه قالی بافی کاری آند . یک روز که من کتاب رتی بند کارگر را که از دستم گرفته بودم می خوانم بدوم سر میبرد . اول صحنی است که من این صحن کتابهای را می خوانم ولی بعد از اینکه من قسمت های از آن کتاب را که از دستم کارگر حصب میبرد برایش خواندم در دست آند و کتاب را از من گرفت و آنرا برابر دستا نشی بکا و دهان برد .

هم چنگام ناها را که کارگران در ورهم نشسته بودند او کتاب را برای آنها می خواند . در همین موقع سر کارگر که دانشجوی کارگری بود سر میبرد و در دستا سر رانند و با به اخراج میکند و می گوید که این کتاب ضد خدا و ضد اسلام است . طی کارگران به او میگویند که خود روزی گوئی . این در دست ما را نوشته . ما میدانیم که شمارالوها جادوری خون ما را می مکند . بعد از چند روزی که از این جریان میگردد هنگام برکتس بد روز از موکراتیک خلق دای باسد آرد و ما بد دست جلدسری او

بقیه صفحه ۹

رفیق آ - تهران

اعانات که داشته بودی در مورد مشکلاتی از قبل تصور و بگرتوطله های رژیم که در سال تحصیلی رژیم با آن روبرو هستیم در رشت . به تیروم بد سنا رسیده . همانطور که می بینید ما مرتب این کار را انجام میدهم . در ضمن خودت هم میتوانستی برای یک کمک با نظرت را در مورد این مسائل بنویسی برای ما بفرستی .

رفیق میباز س ن - راهنایی - تهران

گزارشی که از اجتماع اوسوسی ما و دهان کردی های رژیم فرستاد و بوی رسیده .

